



گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر سید محسن میر باقری، درباره نهادینگی عنصر دین‌داری در تار و پود فرهنگ ایرانی

ملت مقدس

اعتقادی و جهات دیگر بهترین مردم دنیا هستیم اما آنقدر به هم می‌گوییم مردم ما بد هستند که باورمان می‌شود. مردم ایران بهترین یا در رده بهترین مردم دنیا هستند ولی فرهنگ خودزنی در میان ما زیاد شده است.

برخی همین که در مجلسی می‌نشینند، شروع می‌کنند به نقد و بدگویی از کشور و ملت! متأسفانه این فرهنگ بد در بین متدینان و وفاداران به نظام هم زیاد شده است. البته من دیده‌ام همان‌هایی که نقد می‌کنند، در راهپیمایی ۲۲ بهمن هم شرکت می‌کنند. یعنی همین نقد ظاهری دلیل مخالفت نمی‌شود ولی در کمال تأسف این موضوع تبدیل به یک فرهنگ بد در بین ما شده است.

رهبر انقلاب هم در این زمینه فرمودند به بهانه ظاهر متفاوت مردم نباید اینها را از دایره دین‌داری و تعلق به مسائل مذهبی بیرون کرد؛ به نظر شما ملاک اصلی در سنجش دین‌داری مردم چیست؟

بله! بسیاری از افراد همانطور که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند به حسب ظاهر ممکن است برخی به احکام مثل حجاب بخوبی عمل نکنند اما پای دین ایستاده‌اند. من به کلاس و محیط‌های اجتماعی مختلف می‌روم و این چیزها را مستقیماً می‌بینم. برای مثال فرد بی‌حجاب است ولی سوالات دینی است، مثلاً می‌گوید ذکر روز یکشنبه چیست. به حسب ظاهر او نباید پاپیست به این حرف‌ها باشد اما بسیاری از آنها اهل نماز و دین‌داری هستند. بنابراین نقدهای ظاهری ملاک نمی‌شود که دل‌ها برگشته باشد و حتی رعایت نکردن برخی از احکام هم دلیل نمی‌شود که این افراد دین‌دار نباشند.

بعد از همین اغتشاشات اخیر تلویزیون با یکسری از همین خانم‌هایی که حجاب لازم را نداشتند مصاحبه‌ای انجام داد و از صحبت‌های آنها مشخص بود که به‌رغم ظاهرشان پابندی خود را به دین و انقلاب و رهبری به صورت جدی دارند، بنابراین باید توجه داشته باشیم که از این زاویه کلاه سرمان نرود. کسانی که مخالف هستند آنقدر به هم می‌گویند که باورش‌شان می‌شود مردم برگشته‌اند؛ «خود گویی و خود خندی عجب مرد هنرمندی». در این میان باید مراقب باشیم که این باور در ما ایجاد نشود.

شما همین شب‌های ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر را مشاهده کنید. در تهران چند مجلس داریم که شب‌ها احیا می‌گیرند؟! عمده جمعیت شرکت‌کننده در این مجالس نورانی هم جوانان هستند. نیمه شب بیدار می‌شوند و با خداوند مناجات می‌کنند. قبل از انقلاب یک یا دو مجلس در تهران بود که شب‌زنده‌داری داشتند اما الان شاید حدود ۵۰ مجلس باشد. مراسم اعتکاف که می‌شود، سیل جمعیت است که به سوی مساجد روانه می‌شود که روزه بگیرند و اعتکاف کنند و عمده هم جوانان هستند. یک مسأله دینی یا مربوط به انقلاب که پیش می‌آید، جمعیت میلیونی به خیابان می‌آید؛ در مراسم تشییع حاج‌قاسم اتفاقی افتاد که در تاریخ بسیار کم‌نظیر بود.

همین الان هم با همه مشکلات اقتصادی می‌بینیم مردم همچنان پای انقلاب ایستاده‌اند اما در آن طرف می‌خواهند بگویند مردم برگشته‌اند در حالی که هرگز چنین چیزی نیست. مردم ما همان مردم متدین و انقلابی سابقند، البته در این میان همه مسؤولان و کسانی که عهده‌دار امور کشور و انقلاب هستند باید مراقب باشند، چراکه رفتار ما در ذهنیت مردم اثر دارد؛ لذا باید مراقب باشیم که این هدیه الهی را پاسداری کنیم.

این نگاه با و عمیق رهبر حکیم انقلاب در این زمینه چه پیام‌هایی برای دلسوزان و دغدغه‌مندان در زمینه حجاب و عفاف و به طور کلی برای متدینان می‌تواند داشته باشد؟ شاید مقام معظم رهبری می‌خواهند به متدینان این نکته را یادآوری کنند که اگر کسی در یک حکم ضعیف عمل کرد، نشانه ضعف او نسبت به کل دین‌داری نیست. این یک واقعیت است که یکسری از کسانی که رعایت حجاب نمی‌کنند واقعا متدین هستند و اهل نماز، روزه و تقوا هستند. صرف ضعف حجاب را ملاک نگیریم که تهاجمی عمل کنیم و قضاوت منفی کلی نسبت به همه آنها داشته باشیم. بلکه درصدی از بی‌حجاب‌ها اهل دین و نماز نیستند اما این را نباید به همه تعمیم داد و ضعف در عمل این خانم‌ها نباید باعث شود یک قضاوت منفی کلی درباره آنها داشته باشیم.

هستم. مردم به نمایندگانی رای می‌دهند که باید در مجلس قسم بخورند که به قانون اساسی جمهوری اسلامی، اسلام و انقلاب پایبند هستند. البته این شور انتخابات ممکن است در میان نمایندگان و جناح‌ها متفاوت باشد؛ یعنی آرا دو دسته باشد اما در یک چیز همه آنها موافق و مشترکند و آن اینکه می‌خواهند رئیس‌جمهور یک کشور اسلامی را انتخاب کنند. می‌خواهند نمایندگان مجلس شورای اسلامی را انتخاب کنند.

بسه هر حال می‌خواهم عرض کنم مردم ایران پای انقلاب ایستاده‌اند. گاهی جریان‌های پیش می‌آید که برخی می‌خواهند ثابت کنند و نشان دهند که مردم پابندی خود را نسبت به اسلام و انقلاب از دست داده‌اند اما مگر اینها چه تعداد هستند؟ برای مثال در همین اغتشاشات، آمار اغتشاشگران چقدر بود؟ یک‌صدم کسانی که راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت می‌کنند، بودند!

چرا به‌رغم کثرت معتقدان به اسلام و انقلاب اسلامی و قلت معاندان و دشمنان اسلام و نظام اسلامی اما گویا صدای بلندگوهای دشمنان بلندتر است؟

تبلیغات دشمن نباید ما را به رعب بیندازد تا خودمان هم عقب‌نشینی کنیم. بسیاری از کسانی که نقد می‌کنند نسبت به یک فرهنگ عمومی‌ای که رایج شده است، نقد می‌کنند. متأسفانه خودزنی در کشور ما بسیار رواج پیدا کرده است. ما از نظر اخلاقی و

استحبابی با این فرهنگ اسلامی و با این پرچمی که بلند شد، به جنگ بیایند؛ هم جنگ فیزیکی انجام دادند که جنگ عراق بود و صدام را تحریک کردند و هم جنگ فرهنگی و اقتصادی و سیاسی.

انسان وقتی این همه هجمه و دشمنی با نظام اسلامی را می‌بیند به این نکته بی‌م‌برد که یک دستی پشت این انقلاب وجود دارد و از آن حمایت می‌کند، چراکه با همه این همه‌ها ایران ایستاد و مقاومت کرد و به پیش رفت و ما پیشرفت‌های ایران را امروز به طور واضح می‌بینیم. کاری که دشمن امروز شدیداً دارد انجام می‌دهد القای این مطلب است که مردم اول از انقلاب و بعد هم از دین برگشته‌اند، در حالی که این یک حرف و ادعای نادرست است. متأسفانه بعضی هم در داخل این سخن را آنقدر به هم گفتند و القا کردند که خودشان هم باورش‌شان شده است. گاهی گروه‌های مختلف در این باره صحبت‌هایی می‌کنند؛ یک گروهی بود که بسیار تبلیغ می‌کردند - شاید زمان دولت قبل بود - من به آنها گفتم الان هم مردم ایران پای دین و انقلاب‌شان ایستاده‌اند و متدین هستند. یکی از کسانی که مسؤول آن گروه بود بسیار

براشفت و به بنده تند می‌گفت و بی‌احترامی کرد. تمام این مردمی که در انتخابات شرکت کردند، چه کسانی که به این دولت رای دادند و چه کسانی که به شخص دیگری رای دادند، می‌خواهند به رئیس‌جمهوری رای بدهند که قرار است در مجلس قسم بخورد که من به اسلام و قرآن و قانون اساسی پایبند

در سال‌های پس از انقلاب، بویژه در سال‌های اخیر شاهد استقبال پرشور مردم ایران از آیین‌های مذهبی و معنوی و حضور گسترده در حرم‌های اهل بیت و مساجد کشور بویژه در ماه مبارک رمضان و لیالی قدر هستیم. رهبر حکیم انقلاب هم در سال‌های متعددی با اشاره به حضور گسترده مردم بویژه جوانان در مراسم مذهبی از جمله اعتکاف و شب‌های مبارک قدر از رشد معنویت و روحانیت در بین مردم ایران سخن گفته‌اند؛ پدیده‌ای که به چشم هر ناظر بیرونی منصفی آمده و انکار آن را غیرممکن کرده است.

پدیده دیگری این ایام مقدس حضور پرشور خانم‌های کم‌حجاب و بی‌حجابی است که ظاهر آنها ممکن است انسان را به خطا انداخته و حکم به عدم تعلق آنها به دین و معنویت دهد اما دل‌ها و جان‌های آنها متعلق به جبهه الهی است. به منظور تبیین بیشتر این مسأله با دکتر سید محسن میر باقری گفت‌وگو کردیم.

آقای دکتر میر باقری! بعضی افراد و رسانه‌ها تأکید دارند دین‌داری و گرایش مردم به مسائل مذهبی کاهش شدیدی یافته است اما تصاویر مخابره شده از حضور گسترده مردم در آیین‌های مذهبی و معنوی مثل همین مراسم شب‌های مبارک قدر حکایت از حقیقتی متفاوت دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟

بدون شک مردم ایران مردمی متدین و مقید به امور دینی هستند. آماری که من گاهی در برخی موارد دیده‌ام حاکی است متدین‌ترین مردم دنیا، ایرانیان هستند. یعنی از نظر درصد، بالاترین درصد دین‌داری در دنیا از آن ایران است، بویژه که ایران کانون توجه به اهل بیت پیغمبر اکرم(ص) است. از نظر مراسم دینی و مذهبی و اظهار عاطفه نسبت به اهل بیت(ع) و عزاداری برای حضرات معصومین، مردم ایران بی‌نظیر می‌نظر یا کم‌نظیر هستند. حتی در بین کشورهای اسلامی، ایران جلوه ویژه‌ای دارد. این مردم متدین ایران، انقلابی کردند به عنوان انقلاب اسلامی. امام(ره) یک عالم دینی از ذریه رسول خدا، پرچمی را بلند کردند به عنوان پرچم توحید و امام زمان. بعد از قرن‌ها که



برای رحمت خدا حصار نکشیم

خاری در انگشت شود آن از آن من است. همچنین از ترک تا شام کسی را قدم در سنگ آید، زین آن مرست و اگر اندوهی در دلی است، آن دل از آن من است.

رمضان باید انسان‌هایی باشد که دل‌شان به اندازه انسانیت وسعت داشته باشد، این حالت قلبی از دعاهای هر روز ماه رمضان قابل ادراک است. مادر دعاهای مشترک هر روز ماه رمضان می‌خوانیم که خدایه! ادخل علی اهل القبور السور: خدایا بر اهل قبور، سرور وارد کن. اللهم اشبع کل جائع: خدایا همه گرسنگان را سیر کن. اللهم اشف کل مریض: خدایا همه مریض‌ها را شفا بده. می‌بینید که در تمام این ادعیه حرف از همه انسان‌هاست نه فقط مسلمان‌ها یا هم‌جزئی‌ها و هم‌فکرهای ما، هر انسانی هر جا که هست و گرسنه است خدایا سیرش کن! این دعای انسان‌ساز، نشان می‌دهد که انسان تراز ماه رمضان، انسانی است که همه انسانیت را پاره وجود خود ببیند و با همه انسانیت احساس هم‌حسی و همدردی کند. باشد که این فضیلت معنوی و اخلاقی نصیب تک تک ما شود. آمین!

از او می‌جوشد و برای این عشق‌ورزی هیچ قید و شرطی ندارد، یعنی نگاه نمی‌کند که شخص کافر است یا مومن، عاصی است یا متقی، خداپاوار است یا خداناباور، سفید است یا سیاه، مسلمان است یا یهودی، او به همه مخلوقاتش عشق می‌ورزد و این معنای واژه رحمان است. تجلی رحمانیت خدا در سیره و سخن اهل بیت آنچنان گسترده است که در این مجال کوتاه نمی‌شود به همه آنها اشاره کرد اما به برخی موارد آن اشاراتی گذرا خواهیم کرد. امام سجاده(ع) در نیاش ۴۲ صحیفه سجاده‌ی اینچنین خدایا می‌خواند: «یا مَنْ بِرَحْمَةٍ مِنْ لَای رَحْمَةَ الْعِبَادَةِ، وَ یا مَنْ یَقْتُلُ مَنْ لَای تَقْتُلُهُ الْعِبَادَةُ، ای آنکه رحم می‌کنی بر آنکه بندگان بر او رحم نمی‌کنند و ای کسی که می‌پذیری کسی را که شهره‌انمی‌پذیرندش!»

این فقره از دعا، تجلی اسم رحمان را نشان می‌دهد، آغوش باری که برای همه گسترده است. همین دل وسعت یافته است که انسان مسلمان خود را با همه انسان‌ها یکپارچه می‌بیند. این یکپارچگی با انسان‌ها را در این سخن شیخ ابوالحسن خرقانی می‌بینیم که می‌گفت: اگر به ترکستان تا به در شام کسی را

در مرگ او سخت گریستند، خود را روی جنازه وی انداختند و او را بوسیدند ولی از این اظهار نظر گستاخانه‌ای که آن زن کرد خشمگین شدند و با نگاهی غضب‌آلود متوجه وی شده، فرمودند: «ای رسول الله و ما ادری ما یفعل بی؛ من فرستاده خدایم و نمی‌دانم با من چگونه رفتار خواهد شد.»

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «قل ما کنت بدعا من الرسل و ما ادری ما یفعل بی‌ولابکم؛ بگو من پیامبر نوظهوری نیستم و نمی‌دانم با من و شما چه رفتاری خواهد شد.»

اساسا مبنای دین اسلام بر رحمانیت است. خداوند متعال بارها و بارها در قرآن تأکید کرده که می‌خواهد مردم او را به رحمانیت بشناسند. هیچ آیهای در قرآن بر تکرار تر از بسم‌الله الرحمن الرحیم نیست و در این آیه خدا مدام تأکید دارد که خود را رحمان معرفی کند. رحمان از ریشه «رح م» ساخته شده است، شاید بهترین واژه برای ترجمه این کلمه «عشق‌ورز» باشد. در ادبیات عرب وقتی بخواهند شدت جوشش چیزی را نشان بدهند آن را به وزن فعلان می‌برند، مانند عطشان، یعنی کسی که عطش از او می‌جوشد، رحمان یعنی کسی که عشق

است؟ چه کسی بهشتی است؟ اگر به هر انسانی اینگونه نگاه کنیم در قوتی قضاوت‌ها محبوس نمی‌شویم و وسعت رحمت الهی را به فرقه و گروه خاصی محدود نمی‌کنیم.

شهید مطهری در این زمینه کلامی دارد که فرموده است: «حساب اشخاص دست خدا است. هیچ کس حق ندارد درباره کسی به طور قاطع اظهار نظر کند که اهل بهشت است یا دوزخ، اگر از ما بپرسند: آیا شیخ مرتضی انصاری با آن زهد، تقوا، ایمان و عمل شناخته‌شده‌اش، حتما اهل بهشت است یا نه؟ پاسخ ما این است که آن اندازه که ما از اطلاع داریم خیر و نیکی است اما اینکه صد درصد بگوییم اهل بهشت است در اختیار ما نیست. خداست که بر همه ضمایر اشخاص مطلع است و تمام اسرار و خفایای نفوس را می‌داند و حساب خلاق نیز با او است. وقتی عثمان بن مظعون از دنیا رفت، زنی از انصار به نام «ام علا» که ظاهراً زن همان مردی بود که عثمان بن مظعون در خانه او می‌زیست و میهمان او بود، در حضور رسول خدا(ص) جنازه وی را مخاطب قرار داد و گفت: بهشت بر تو گوارا باد. با اینکه عثمان بن مظعون، مرد جلیل‌القدری بود و رسول اکرم

محمد(امین علیهدوست): از علامه جعفری رحمه‌الله علیه نقل شده که آیت‌الله العظمی خوبی رحمه‌الله علیه به ایشان فرموده است: «تا مدت‌ها مرحوم میرزای نایینی به خواب کسی نیامده بود. شاگردی داشت که از اهالی گلپایگان بود. ایشان (مرحوم نایینی) با اینکه خیلی کم به کسی اجازه اجتهاد می‌داد و در اجازه دادن خیلی مسک بود، به این طلبه اجازه اجتهاد داده بود. پس از گذشت مدت زیادی از ارتحال‌شان، به خواب این طلبه آمد. آن طلبه از مرحوم نایینی چنین پرسیده بود که می‌دانم الفاظ نمی‌توانند بی‌لنگر واقع آن جهان باشند ولی به‌حال بفرمایید در آن عالم چه خبر است؟ میرزا جواب داده بود: کس نمی‌داند در این بحر عمیق سگریزه قرب دارد یا عقیق مرحوم خوبی به من فرمود که نمی‌دانم این شعر از کیست؟ من هم آن وقت نمی‌دانستم ولی بعداً این شعر را در منطق الطیر عطار دیدم». این نگاه یک مبنای دینی و الهی است که سینه ما را برای پذیرش همه انسان‌ها گشاده می‌کند. ما چه می‌دانیم که چه کسی خوب است؟ چه کسی بد است؟ چه کسی چمنی